

نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۹، شماره پیاپی ۳۴، پاییز ۱۳۹۷

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸ - شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

<http://jupm.miau.ac.ir>

## بررسی حس تعلق مکانی در مجتمع‌های مسکونی و نقش طبیعت بر آن (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی اکباتان، پردیسان، زیتون و مهرگان)

محمد بهزادپور! عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۰

صص ۲۰۰-۱۸۳

دریافت: ۱۳۹۶/۹/۷

### چکیده

طبیعت و فضاهای سبز، عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای ساکنان می‌شود. این حس، عامل مهم در شکل‌گیری حس تعلق مکانی بوده و نهایتاً منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت می‌شود. توجه به فضاهای سبز شهری و بوستان‌های محلی، بیشتر با هدف تأمین حداقل فضای سبز مورد نیاز برای شهرها صورت می‌پذیرد؛ اما مسئله اصلی اینجاست که با وجود اثرگذاری این فضاها بر حس تعلق مکانی ساکنان، کیفیت و چگونگی این تأثیرات تبیین نمی‌شوند؛ بنابراین بررسی نقش طبیعت در راستای تقویت حس تعلق مکانی در جوامع شهری، بسیار ضروری و پراهمیت جلوه می‌کند. بر این اساس پژوهش حاضر به بررسی میزان تأثیرگذاری طبیعت بر حس تعلق مکانی در مجتمع‌های مسکونی اکباتان تهران، پردیسان قم، زیتون اصفهان و مهرگان قزوین پرداخته است. روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و همبستگی است و تجزیه و تحلیل‌ها بر اساس ۳۶۰ پرسش‌نامه تکمیل شده توسط ساکنان این ۴ مجتمع مسکونی انجام گرفت. پس از بارگذاری و وزن‌دهی عوامل سنجش طبیعت و تعلق مکانی از طریق محاسبه مقدار کای اسکوتر در سطح معناداری ( $P > 0.05$ )، نتایج حاصله به کمک نرم‌افزارهای *Lisrel* و *SPSS* نشان داد ارتباطی معنادار و مثبت بین دو متغیر طبیعت و حس تعلق مکانی در نمونه‌های مورد مطالعه برقرار است. ضریب تأثیر طبیعت در تعلق مکانی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی اکباتان (۰,۸۷)، پردیسان (۰,۴۲)، زیتون (۰,۹۱) و مهرگان (۰,۳۷) به دست آمده است. همچنین با توجه به اینکه مقدار *RMSEA* در مجتمع‌های مسکونی به ترتیب برابر با (۰,۰۵۴)، (۰,۰۴۲)، (۰,۰۶۱) و (۰,۰۴۰) به دست آمده، رابطه بین طبیعت با تعلق مکانی مورد تأیید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: طبیعت، حس تعلق مکانی، مجتمع‌های مسکونی، اکباتان، پردیسان، زیتون و مهرگان.

۱. نویسنده مسئول: [mohamad.behzadpour@gmail.com](mailto:mohamad.behzadpour@gmail.com) ۰۹۱۲۶۸۱۱۶۹۱

## بیان مسأله:

یکی از معانی مهم و مؤثر در ارتقاء کیفیت محیط‌های انسانی، حس تعلق به مکان می‌باشد. این حس، عامل مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط بوده و نهایتاً منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت خواهد گردید (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۱). امروزه مفهوم «حس مکان» به شاخص و اصطلاحی رایج در برنامه‌ریزی و طراحی سکونتگاه‌های انسانی تبدیل شده است. این حس، عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. حس مکان و تعلق مکانی علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از یک محیط می‌گردد، باعث دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵: ۱۱). «تعلق» بر احساس تأکید دارد و «مکان» بر قرارگاه‌های محیطی که ساکنان به طور احساسی و فرهنگی بدان تعلق یافته‌اند. در تحقیقات مختلف، مکان‌ها ممکن است از چندین طریق با یکدیگر متفاوت باشند: مقیاس یا اندازه و وسعت؛ ملموس در مقابل نمادین؛ قابل فهم و تجربه شده در مقابل نامفهوم و تجربه نشده (Altman and Low, 1992). در هر صورت، اصل بر تمایز است. تمایزی که گویی «اینجا چیزهایی دارد که در جاهای دیگر نمی‌توان یافت». یکی از همین وجوه تمایز، فضاها، سبز، عناصر طبیعی و به طور کلی طبیعت موجود در مکان‌هاست. فضاهای طبیعی در طول زندگی افراد، به فضاهایی خاص برای آنان تبدیل می‌شود و به عنوان محیطی که ساکنان بخشی از وقت خود را در آن می‌گذرانند حائز اهمیت است. در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، توجه به فضاهای سبز شهری و بوستان‌های محلی بیشتر با هدف تأمین حداقل فضای سبز مورد نیاز برای شهرها صورت می‌پذیرد؛ اما مسئله اصلی اینجاست که با وجود اثرگذاری این فضاها بر حس تعلق مکانی ساکنان، کیفیت و چگونگی این تأثیرات تبیین نمی‌شوند؛ بنابراین بررسی نقش طبیعت در راستای تقویت حس تعلق مکانی در جوامع شهری، بسیار ضروری و پراهمیت جلوه می‌کند.

با نگاهی به تجربه کشورمان در زمینه ساخت مجتمع‌های مسکونی، آشکار می‌شود که رویکرد غالب آن‌ها، رویکردی تک بعدی نگر بوده که در آن صرفاً به ساخت فضایی برای اقامت و استراحت، اشتغال و یا مکانی برای جذب سرریز جمعیت کلان‌شهرها توجه شده است. از سوی دیگر فقدان تاریخ، فرهنگ و خاطره جمعی در این مجتمع‌ها و به دنبال آن در اولویت قرار دادن مسائل مالی، توجهات اقتصادی و... باعث گردیده که مسئله هویت و در پی آن حس تعلق مکانی در آن‌ها، به مثابه مسئله‌ای فرعی تلقی گردد. در واقع در این زمینه، توسعه شتابان عرصه‌های شهری طی چند دهه اخیر حیات اجتماعی ساکنان را تحت تأثیر قرار داده است و باعث شده توجه معماران و شهرسازان بیشتر بر جنبه‌های کالبدی و فیزیکی شهر معطوف گردد که پیامد این رویکرد تک‌بعدی به توسعه شهری، غافل ماندن از تأثیرگذاری فضاهای طبیعی و سبز شهری بر حس تعلق و هویت ساکنان است. ساخت مجتمع‌های مسکونی متعدد از جمله پردیسان در قم و مهرگان در قزوین با رویکرد صرفاً خوابگاهی به منظور پاسخگویی به تقاضای ساکنان و مهاجران، نتیجه همین رشد شتابان شهرهاست. البته در این بین به نمونه‌هایی نیز می‌توان اشاره داشت که در ساخت آنها از عناصر طبیعی و فضاهای سبز شهری به خوبی بهره گرفته شده است. مجتمع‌های مسکونی اکباتان در تهران و زیتون در اصفهان، از جمله مجتمع‌هایی هستند که عنصر طبیعت در ساخت آنها کاملاً مشهود بوده و در نقطه مقابل دو مجتمع مسکونی پردیسان و مهرگان قرار دارند؛ بر این اساس، این ۴ مجتمع مسکونی به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب شده‌اند تا مشخص گردد حس تعلق مکانی در مجتمع‌هایی که وضعیت نسبتاً مطلوبی به لحاظ برخورداری از فضاهای طبیعی دارند (اکباتان و زیتون) در مقایسه با مجتمع‌هایی که فاقد عناصر طبیعی مناسب و فضاهای سبز

<sup>۱</sup> در این تحقیق منظور از طبیعت به‌طور کلی عناصر و فضاهای سبز شهری شامل پارک‌ها، بوستان‌ها و... و حتی حوضچه‌ها و آب‌نماهایی که در گذشته در حیاط خانه‌ها وجود داشته است می‌باشد.

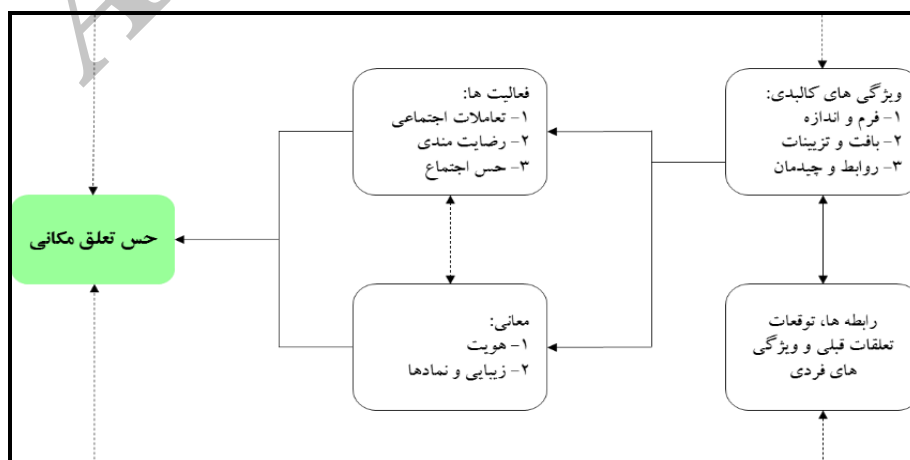
کافی هستند (پردیسان و مهرگان) چگونه است. سؤال اصلی که پژوهش در پی پاسخگویی به آن است بدین گونه مطرح می-شود: میزان تأثیرگذاری طبیعت و فضاهای سبز شهری بر حس تعلق مکانی در مجتمع‌های مسکونی چقدر است؟

### مفاهیم و مبانی نظری:

**مکان:** مکان بخشی از فضای جغرافیایی است و به صورت یک دستگاه و مجموعه محدود شده‌ای می‌باشد که در آن روابط اجتماعی، هویت و زندگی به وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۸۶: ۲۸۷). مکان عنصر اصلی هویت ساکنان آن است. انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نائل شود (حبیبی، ۱۳۸۲: ۳۹). مکان جایی است که ما ادراکی کامل از هستی و بودن خود داشته باشیم. از دیدگاه پدیدارشناسانه، مکان کلیتی است از اشیا و چیزهای ساخته واقعی ساخته شده و دارای مصالح، ماده، شکل، بافت و رنگ است. مجموعه این عناصر باهم کاراکتر محیطی مکان را تعریف می‌کنند. مکان دارای زمینه‌ای برای فعالیت‌هاست و عموماً دارای هویت شناختی بوده، دربرگیرنده عوامل اجتماعی متنوع و دارای تاریخی که گذشته، حال و آینده را به هم می‌پیوندد (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹: ۱۳۴). به طور کلی تعاریف مربوط به مکان را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. مکان به عنوان یک موقعیت جغرافیایی؛ ۲. مکان به عنوان ظرفی برای انتقال معنا (Sime, 2011).

**حس تعلق به مکان:** این حس را می‌توان رابطه‌ای عاطفی بین شخص و مکان توصیف کرد. پیوندی احساسی که مردم آن مکان را به عنوان قرارگاهی برای بازگشت بدان ارزشمند بدانند (بابا ویسی، ۱۳۹۴: ۱). اصطلاح حس تعلق از دو واژه حس و تعلق تشکیل شده است. در واژه‌شناسی لغتنامه دهخدا تعلق خاطر را علاقه داشتن، عشق به چیزی داشتن و میل به کسی داشتن معنی می‌کند. حس تعلق که از نظر بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش مهمی ایفا می‌کند به گونه‌ای به پیوند فرد با بافت منجر می‌شود، در این صورت انسان خود را جزئی از بافت می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت نقشی برای بافت در ذهن خود متصور می‌سازد، این نقش نزد او منحصربه‌فرد بوده و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود (پیربائی و سجادزاده، ۱۳۹۰: ۴). در ادامه چند تعریف از حس تعلق به مکان آورده شده است: پیوندی احساسی و خوشایند بین افراد و مکانی خاص که مهم‌ترین ویژگی این احساس این است که افراد تمایل به مکان و حفظ فیزیکی آن را در خود درک می‌کنند (Hidalgo, 2001). حس مکان، تنها یک راه ساده برای توضیح نحوه ادراک یا دریافت مکان توسط فرد نیست بلکه مفهومی ارزشی و چند بعدی است و به شناسایی نمادین و عاطفی فرد نسبت به مکان مربوط می‌شود (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲).



نمودار ۱- مدل مفهومی عوامل مؤثر بر حس مکان - (مأخذ: فلاح، ۱۳۸۵).

به طور کلی عوامل ایجاد کننده حس تعلق را می توان به دو دسته عوامل بیرونی و درونی دسته بندی کرد:

**عامل درون فردی (ادراک و شناخت):** ادراک محیط بیرونی به وسیله انسان، شناخت و واکنش احساسی و عاطفی توسط او، از مهم ترین دلایل ایجاد حس تعلق به مکان است. در حقیقت معانی ای که فرد به طور آگاهانه یا ناآگاهانه از محیط دریافت می کند حاصل ادراکات اولیه و تطابق آن ها با تصاویر ذهنی اوست که به مرحله شناخت درآمده و واکنشی عاطفی و احساسی که منجر به تعلق و وابستگی به محیط می شود را رقم می زند.

**عوامل بیرونی:** این دسته از عوامل که از بیرون بر انسان تأثیر می گذارند، شامل دو آیتم محیط کالبدی و فعالیت (فردی و اجتماعی) است. از دیدگاه فریتز استیل (Steele) از عوامل مهم در حس مکان، اندازه، مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (سیاوش پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰). این عوامل در تعریف فضایی، تمییز فضایی و تشخیص حریم ها و همچنین تمایز درون و بیرون و کنترل فضایی، نقش اساسی داشته که عاملی مهم در ایجاد حس تعلق به مکان است.

**ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق به مکان:** بررسی ادبیات پیرامون حس تعلق به مکان چنین می نمایاند که اندیشمندان این حوزه از چارچوب های مختلفی این بحث را پی گرفته اند و این تفاوت در نگرش، دسته بندی هایی را در قلمرو حس تعلق می طلبد. از جمله این ابعاد می توان: بعد اجتماعی، بعد احساسی و شناختی و بعد کالبدی نام را برد که در ادامه بحث به توضیحاتی چند از این ابعاد پرداخته خواهد شد.

**بعد احساسی (ادراک و شناخت) تعلق به مکان:** این بعد از تعلق، بر عواطف و احساسات انسانی نسبت به مکان و محیط اطراف او تأکید دارد و حس تعلق را ناشی از تعاملی بین شخص و محرک های کالبدی، اجتماعی و فعالیت ها می داند تعلق مکان احساسی به احساسات، اوضاع روانی و ذهنیاتی که مردم درباره مکان های مشخص دارند بازمی گردد که طبق نظرات گیولیان (Giuliani, 1991) می تواند هم با خود مکان مرتبط است و هم با جوامعی که به وسیله آن تعریف شده و کمک می کنند آن مکان تعریف شود (سیاوش پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۶).

**تعلق کالبدی به مکان:** این نوع از تعلق، برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی است. ریجر و لاوراکس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن با عنوان ریشه داری یاد می نماید که بر این اساس فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل دهی معنای تعلق به خاطر می سپارد (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۲). محیط کالبدی با برآورده کردن سطحی از نیازهای مادی و معنوی انسان، وابستگی شخص را به خود تحت تأثیر قرار می دهد. وابستگی به مکان زمانی تقویت شده و تداوم می یابد که بین نیازهای استفاده کنندگان و محیط آنان یک تطابق و تعاملی سازنده برقرار باشد. رفع نیازها (مادی و معنوی) و تأمین عملکردها از جمله این تعامل های انسان و مکان اند (Livingston & et al, 2008: 209).

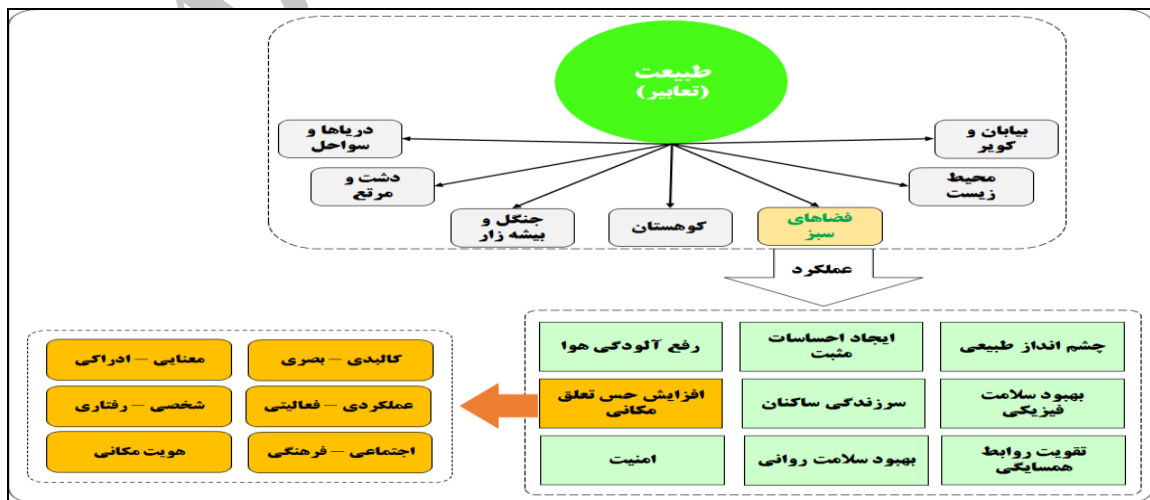
**بعد اجتماعی حس تعلق به مکان:** برخی حس تعلق را ناشی از روابط و تعاملات اجتماعی جاری در مکان دانسته و آن را عامل اصلی در شکل گیری این حس می دانند. از نگاه این رویکرد، حس تعلق به محیط برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی است که در محیط صورت می پذیرد. بر اساس این رویکرد محیط حاوی اطلاعات و نشانه های مشترک اجتماعی است که انسان ها با درک و رمزگشایی آن ها با محیط خود به تعامل می رسند (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۲). تعلق مکان همچنین به عنوان عاملی قوی از منابع تعاملات همسایگی یک شخص، بنیان نهاده شده است. در اینجا نشانه هایی وجود دارد که افراد بیشتر به مردمی که با یک مکان شریک اند تعلق دارند تا مکانی با موجودیت فیزیکی (Livingston & et al, 2008: ۲۱۹). به طور کلی مطالعات انجام شده در زمینه تعلق مکانی به عوامل مختلفی اشاره دارند. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- شاخص‌های تعلق مکانی از دیدگاه نظریه پردازان

چری بر، ۱۹۸۱			
عاطفی		عملکردی	
تیلور، ۱۹۹۶			
وابستگی کالبدی		وابستگی اجتماعی	
قدمت مکان، آشنایی با مکان		رابطه و تعامل با افراد و گروه‌های حاضر در مکان	
آتمن و لاو، ۱۹۹۲			
نوع خاص مکان	هویت مکان	درونی بودن مکان	گونه مکان
ریشه داشتن در مکان	تجسم محیطی	احساس جمعی	اینمانی با نام
گیولیان و فلدمن، ۱۹۹۳			
شناختی		عاطفی	
رفتاری		رفتاری	
ویلیامز و واسک، ۲۰۰۳			
عاطفی		عملکردی	
تعلق خاطر و احساس فرد در رابطه با مکان، خاطرات وی		وابستگی فرد نسبت به مکان، میزان مراجعه و حضور در مکان	
شناخت		رفتاری	
ویژگی‌ها و تمایزات کالبدی مکان		تمایل به مشارکت در نگهداری مکان، رفتارهای پاسخگو	
کایل و همکاران، ۲۰۰۵			
هویت مکان		وابستگی مکانی	
تمایز، تداوم، عزت نفس، خود کارایی		رضایت‌مندی، مالکیت طول مدت اقامت	
پیوند اجتماعی		خصوصیات فردی، امکان تعاملات اجتماعی	
اسکانل و گیفورد، ۲۰۱۰			
فرآیند		مکان	
احساس		شناخت	
رفتار		فیزیکی	
اجتماعی		اجتماعی	
فرهنگی / گروهی		فردی	
شخص		شخص	
زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳			
هویت مکانی		پیوند اجتماعی	
وابستگی مکانی		تعلق عاطفی	
سرمایه‌ی اجتماعی		سرمایه‌ی اجتماعی	

(منبع: نقدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۳).

در تحقیق زیر از معیارها و شاخص‌های جدول ۲ برای سنجش تعلق مکانی ساکنان استفاده شده است. همچنین مدل مفهومی تحقیق در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است.



نمودار ۲- مدل مفهومی تحقیق - (منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۶).

جدول ۲- معیارها و شاخص های مورد استفاده در تحقیق برای سنجش تعلق مکانی

شاخص ها			معیارها
ویژگی های شهرسازانه و معماری (PV3)	انطباق فضا با الگوهای رفتاری (PV2)	مطلوبیت مشخصات بصری مکان (PVI)	کالبدی - بصری (PV) Physical - Visual
میزان مراجعه و حضور در مکان (FA3)	ارضای نیازهای زیست محیطی (FA2)	برگزاری مراسم، رویدادها و جشن ها (FAI)	عملکردی - فعالیتی (FA) Functional - Activities
امکان تعاملات و ارتباطات اجتماعی (SC3)	مشارکت مردم در مکان (SC2)	بافت اجتماعی (SCI)	اجتماعی - فرهنگی (SC) Social - Cultural
شاخص های هویت مندی فضا (SP3)	قدمت مکان و قابلیت تجسم (SP2)	خاطره انگیزی مکان (SPI)	معنایی - ادراکی (SP) Semantic - Perceptual
شناخت عناصر مکانی (PB3)	طول مدت اقامت و حس مردم واری (PB2)	آشنایی با مکان (PB1)	شخصی - رفتاری (PB) Personality - Behavior
نمادها و نشانه ها (PI3)	خاطرات و رویدادهای مهم (PI2)	عزت نفس (PII)	هویت مکانی (PI) Place Identity

(منبع: نقدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴).

## روش تحقیق:

تحقیق حاضر برحسب هدف آن از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی و ماهیت مطالعاتی آن توصیفی - تحلیلی است. این تحقیق به دو روش کتابخانه ای (اسنادی) و پیمایشی (میدانی) اطلاعات مورد نیاز خود را جمع آوری نموده که در روش کتابخانه ای اطلاعات مورد نیاز از طریق جستجوی اینترنتی در سایت ها، مقاله های علمی پژوهشی، پایان نامه های مرتبط با موضوع تحقیق، طرح ها و گزارش های مرتبط با موضوع و ترجمه متون انگلیسی گردآوری شده است. این داده ها برای تکمیل مبانی نظری تحقیق و سوابق تحقیقات پیشین مورد استفاده قرار گرفته است. در جست و جوی های میدانی نیز نگارنده داخل محیط قرار گرفته و محیط را تجربه نموده است و اقدام به تکمیل نمودن پرسش نامه کرده است. در پرسش نامه تهیه شده، متغیرهای طبیعت و فضای سبز محل زندگی ساکنان و حس تعلق مکانی آنان مورد سنجش قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق حاضر تمامی ساکنان محله های مورد مطالعه در چهار مجتمع مسکونی اکباتان تهران، پردیسان قم، زیتون اصفهان و مهرگان قزوین بوده اند. تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۶۰ پرسش نامه به دست آمد که به نسبت جمعیت هر محله مورد بررسی از نمونه گیری خوشه ای متناسب با حجم (PPS)، پرسش نامه ها توزیع و تکمیل شدند. در جدول ۳ اطلاعات مربوط به محدوده های مورد مطالعه، جمعیت و تعداد پرسش نامه های مورد نیاز آورده شده است.

جدول ۳- جمعیت و تعداد پرسش نامه مورد نیاز در محدوده مورد مطالعه

مجتمع مسکونی	محدوده مورد مطالعه	تعداد جمعیت	تعداد پرسش نامه
اکباتان	فاز ۲ - بلوک ۱	۱۳۲۱	۸۳
پردیسان	محله پنجم مسکن مهر	۱۶۶۶	۱۰۴
زیتون	زیتون	۱۷۵۰	۱۰۹
مهرگان	محله (مجتمع) سرداران	۱۰۲۰	۶۴
مجموع		۵۷۵۷	۳۶۰

(منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۶).

همانطور که مشخص است با توجه به جمعیت محدوده های مورد مطالعه، تعداد ۸۳ پرسش نامه در مجتمع مسکونی اکباتان (فاز ۲ - بلوک ۱)، تعداد ۱۰۴ پرسش نامه در مجتمع مسکونی پردیسان (محل پنجم مسکن مهر)، تعداد ۱۰۹ پرسش نامه در مجتمع مسکونی زیتون و تعداد ۶۴ پرسش نامه در مجتمع مسکونی مهرگان (مجتمع سرداران) تکمیل شده است. نحوه تکمیل پرسش نامه به صورت حضوری بوده است که در این رابطه نیز به دو صورت مراجعه به درب منازل، و تکمیل پرسش نامه توسط ساکنانی بوده است که در فضای سبز محل مشغول استراحت، گفتگو یا نظارت بر کودکان خود بوده اند. البته ذکر این نکته نیز لازم است که قبل از تکمیل کردن پرسش نامه، محل اقامت پاسخگو سؤال می شد و در صورت سکونت در محدوده مورد مطالعه، اقدام به تکمیل پرسش نامه می گردید. همچنین بازه زمانی تکمیل نمودن پرسش نامه ها نیمه دوم فروردین ۱۳۹۶ بوده است.

روایی و پایایی پرسش نامه نیز مورد آزمون قرار گرفت. برای سنجش پایایی، تعداد ۳۶ پرسش نامه تکمیل شد و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، مقدار پایایی کل برابر با ۰,۸۷ حاصل شد. همچنین روایی پرسش نامه نیز توسط جمعی از اساتید مورد تأیید قرار گرفت. در ادامه به منظور تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از «تحلیل مسیر با استفاده از شاخص های برازندگی» بهره گرفته شده است.

تحلیل مسیر با استفاده از شاخص های برازندگی: نرم افزار لیزرل ضمن آنکه ضرایب مجهول مجموعه ی معادلات ساختاری خطی را برآورد می کند؛ برای برازش مدل هایی که شامل متغیرهای مکنون، خطاهای اندازه گیری در هر یک از متغیرهای وابسته و مستقل، علیت دوسویه، هم زمانی و وابستگی متقابل است، طرح ریزی گردیده است. برای ارزیابی برازندگی الگوی معادلات ساختاری از چند شاخص استفاده می شود. این شاخص ها تعدادی بالغ بر ۳۲ شاخص هستند که به کمک آن ها می توان درباره ی کل مدل و قابل قبول بودن یا غیر قابل قبول بودن آن قضاوت نمود. اگر یکی از این شاخص ها قابل قبول نباشد دلیلی بر رد مدل نخواهد بود، بلکه نشان دهنده ی ضعف نسبی مدل است و این ضعف ممکن است ریشه در مسائل و مشکلاتی داشته باشد که از نمونه گیری، جمعیت نمونه یا عوامل دیگر نشأت گرفته است. در این پژوهش به منظور بررسی معناداری مدل، از ۴ شاخص مهم برازش استفاده شد؛ معناداری کای اسکوتر ( $P$ ) که مقدار کوچک تر از ۰,۰۵ نشان دهنده ی تأیید مدل اندازه گیری است؛ کای اسکوتر بهنجار شده ( $CMIN/DF$ ) مقدار بین ۱ تا ۵ آن، سبب تأیید مدل می شود؛ شاخص های برازش افزایشی ( $IFI$ )، توکر - لوئیس و برازش تطبیقی ( $CFI$ ) که مقادیر کوچک تر مساوی ۰,۴ آن ها نشان دهنده ی قابل قبول بودن مدل است و در نهایت ریشه ی دوم مربعات خطای برآورد ( $RMSEA$ ) که مقدار کوچک تر از ۰,۰۸ گویای معناداری مدل است (Vandenberg & Lance, 2000).

#### شناخت محدوده مطالعاتی:

مجتمع مسکونی اکباتان تهران: در ناحیه ۶ منطقه ۵ شهرداری تهران، یکی از فضاهای مسکونی است که گروهی با پایگاه اقتصادی متوسط را در خود جای داده است. اکباتان به عنوان یکی از نخستین تجربیات در زمینه ساخت مجتمع های بزرگ مقیاس برای اسکان طبقه متوسط شهری و مصداق بارز سیاست بلندمرتبه سازی و استفاده بهینه از زمین است. این مجتمع مسکونی یکی از محدود محلات شهری در تهران است که ساختمان های آن نمای یکسانی دارند. این ساختمان های یکسان مساحت زیادی را اشغال کرده اند و به نوعی در میان فضای سبز نیز محصور هستند (پایگاه اینترنتی شهرک اکباتان، ۱۳۹۴). این مجتمع دارای ۳ فاز است که در این تحقیق بلوک ۱ از فاز دوم با ۱۳۲۱ نفر جمعیت مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است (شکل شماره ۱).



شکل ۱- محدوده جغرافیایی مجتمع مسکونی اکباتان تهران - (منبع: گوگل مپ)

مسکن مهر پردیسان قم: پردیسان نام منطقه هشتم شهرداری قم است که در جنوب غربی شهر قم قرار دارد و حدود ۱۱ کیلومتر تا مرکز شهر قم فاصله دارد (شکل ۲). این منطقه در سال ۱۳۷۷ توسط وزارت مسکن و شهرسازی تأسیس شد و در سال ۱۳۹۰ به یکی از مناطق شهرداری قم تبدیل شد. این منطقه در سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۵۰ هزار نفر جمعیت داشته و به علت وجود مسکن مهر قم در این ناحیه به سرعت بر جمعیت آن افزوده می شود (وبسایت شهرداری قم، ۱۳۹۵). در این تحقیق محله پنجم مسکن مهر با ۱۶۶۶ نفر جمعیت مورد بررسی قرار گرفته است.



شکل ۲- محدوده جغرافیایی مسکن مهر پردیسان قم - (منبع: گوگل مپ)

مجتمع مسکونی زیتون اصفهان: مجتمع مسکونی زیتون در شهر اصفهان (خیابان رزمندگان) طراحی و اجرا شده است (شکل ۳). آغاز طراحی در سال ۱۳۷۸ و شروع ساخت در سال ۱۳۸۰ می باشد. مجتمع مسکونی زیتون اصفهان یکی از مشهورترین مجتمع‌های مسکونی اصفهان است که از نظر معماری و ساختمان و نوع سبک معماری و نمای ساختمان نیز دارای اهمیت زیادی است. مجتمع این گنجایش را داراست که ۵۰۰ خانواده را در خود جای دهد و از مجتمع‌های مسکونی بسیار زیبا و شیک است (وبسایت مجتمع مسکونی زیتون اصفهان، ۱۳۹۵).



شکل ۳- محدوده جغرافیایی مجتمع مسکونی زیتون اصفهان - (منبع: گوگل مپ)



مسکن مهر مهرگان قزوین: مسکن مهر مهرگان در ۱۸ کیلومتری جنوب شرق استان قزوین و در مجاورت آزادراه کرج - قزوین واقع شده است (شکل ۴). هدف از ساخت این مجتمع مسکونی در قالب طرح مسکن مهر، کاهش بار فشار جمعیت از قزوین و سکونت کارمندان و کارکنان شهرها و شهرک‌های اطراف بوده است. البته چشم‌اندازها و طرح‌های رویایی چون «بزرگ‌ترین شهر استان بعد از قزوین» و «احداث مترو در آن و اتصال به خط متروی پایتخت» از دیگر اهداف احداث این مجتمع مسکونی بوده است که به سرانجام نرسیده است. در سال ۱۳۹۵ جمعیت این مجتمع مسکونی برابر با ۴۲ هزار نفر بوده است (Iran News Agency, Qazvin Province, 2016). در این تحقیق محله سرداران با ۱۰۲۰ نفر جمعیت مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.



شکل ۴- محدوده جغرافیایی مسکن مهر مهرگان قزوین - (منبع: گوگل مپ)

**یافته‌های تحقیق:** در این بخش، ابتدا به شناخت وضعیت طبیعت و فضاهای سبز در ۴ مجتمع مسکونی مورد مطالعه پرداخته شده است. این شناخت به ۳ طریق صورت گرفته است:

- ۱- مقدار فضاهای سبز و طبیعی: محاسبه سرانه فضای سبز (از طریق محاسبه مساحت فضاهای سبز و جمعیت).
- ۲- دیدگاه نگارندگان: وضعیت کیفی فضاهای سبز (از طریق مشاهدات مستقیم).
- ۳- دیدگاه ساکنان: بررسی میزان حضور طبیعت و فضاهای سبز در مجتمع‌های مسکونی و بین ساکنان (با استفاده از پرسش‌نامه) سپس در ادامه وضعیت تعلق مکانی ساکنان و اثرات فضاهای سبز و طبیعی بر تعلق مکانی مورد بررسی قرار گرفته است که در ادامه به تشریح یافته‌های به دست آمده پرداخته شده است.

#### بررسی وضعیت فضاهای سبز و طبیعی در محدوده مورد مطالعه:

در منابع مختلف و بر اساس نظر کارشناسان و دانشمندان مطالعات شهری در دنیا، استاندارد بین‌المللی فضای سبز برای هر انسانی که در شهرها زندگی می‌کند، از ۱۵ تا ۵۰ مترمربع و به طور متوسط ۳۰ مترمربع ذکر شده است. رقم پیشنهادی سازمان ملل متحد ۲۰ تا ۲۵ مترمربع برای هر نفر ذکر شده است. بعضاً گفته شده است که در بعضی از نقاط تا ۶۰ مترمربع پیش بینی شده است و با توجه به افزایش جمعیت، در نظر گرفتن این فضاها بایستی متناسب با نرخ رشد جمعیت در چندین سال آینده باشد. بر اساس مطالعات و بررسی‌های وزارت مسکن و شهرسازی، سرانه متعارف و قابل قبول فضاهای سبز در شهرهای ایران بین ۷ تا ۱۲ مترمربع برای هر نفر است که در مقایسه با شاخص تعیین شده از سوی محیط‌زیست سازمان ملل متحد (۲۰ تا ۲۵ مترمربع برای هر نفر)، رقم کمتری است. با وجود این در شهرهای مختلف کشور نیز این رقم، با توجه به ویژگی‌های متفاوت جغرافیایی و اقلیمی آن‌ها، با اختلافاتی همراه است که میزان آن را طرح‌های مصوب هریک از شهرها تعیین می‌کند. در مجموع آنچه از دیدگاه محیط اجتماعی در ارتباط با فضاهای طبیعی و سبز شهری اهمیت دارد، میزان فضای سبز عمومی است، یعنی فضای سبزی که رفت‌وآمد عموم مردم در آن‌ها بدون مانع باشد، یا به تعبیر دیگر فضای سبز اجتماعی (سعیدنیا،

۱۳۸۲: ۸۳). با بررسی های کیفی (مشاهدات نگارنده) و محاسبات کمی (محاسبه سرانه)، وضعیت طبیعت و فضاهای سبز در محدوده های مورد مطالعه ارزیابی گردیده که در جدول ۴ نشان داده شده است:

جدول ۴- سرانه فضاهای سبز و طبیعی در مجتمع های مسکونی

وضعیت کیفی فضاهای سبز	سرانه فضای سبز (مترمربع)	میزان فضاهای سبز و طبیعی (مترمربع)	جمعیت	مجتمع مسکونی
	۲۰,۸	۲۷۴۵۱	۱۳۲۱	اکباتان
	۱,۵	۲۵۳۴	۱۶۶۶	پردیسان
	۴,۸	۸۴۱۱	۱۷۵۰	زیتون
	۱,۴	۱۴۰۰	۱۰۲۰	مهرگان

منبع: مطالعات و مشاهدات نویسنندگان، ۱۳۹۶.

مقایسه وضعیت سرانه فضاهای سبز در مجتمع های مسکونی نشان می دهد فقط سرانه فضای سبز اکباتان در حد استاندارد جهانی است که برابر با ۲۰,۸ محاسبه شده و سرانه فضای سبز سه مجتمع دیگر حتی پایین تر از استاندارد کشوری است. پایین ترین مقدار سرانه در مجتمع مسکونی مهرگان به دست آمده است که برابر با ۱,۴ متر مربع برای هر نفر است. این رقم در پردیسان ۱,۵ و در زیتون نیز برابر با ۴,۸ متر مربع است. در جدول ۵ مقایسه سرانه فضای سبز در مجتمع های مسکونی بر اساس وضعیت موجود و استانداردهای ملی و بین المللی نشان داده شده است.

جدول ۵- مقایسه وضعیت سرانه فضاهای سبز در مجتمع های مسکونی

وضعیت نسبت به استاندارد کشور	استاندارد کشور	وضعیت نسبت به استاندارد بین المللی	استاندارد بین المللی	میزان سرانه فضای سبز موجود	مجتمع مسکونی
بالاتر	۷ تا ۱۲ متر مربع	استاندارد	۲۰ تا ۲۵ متر مربع	۲۰,۸	اکباتان
کمبود		کمبود		۱,۵	پردیسان
کمبود		کمبود		۴,۸	زیتون
کمبود		کمبود		۱,۴	مهرگان

منبع: سرانه های استاندارد: سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۸۳) (سرانه های مجتمع های مسکونی: مطالعات نویسنندگان، ۱۳۹۶.

در مقایسه کیفی مجتمع ها با یکدیگر به لحاظ طبیعت و فضاهای سبز موجود، بهترین وضعیت در اکباتان دیده می شود. سازگاری طبیعت و عناصر طبیعی با زندگی ساکنان و سایر کاربری ها، زیبایی های بصری، تراکم مناسب و وجود امکانات مناسب بهره گیری از فضاهای سبز و طبیعی (مبلمان مناسب، وسایل ورزشی و وسایل بازی کودکان) از ویژگی های منحصر به فرد فضاهای طبیعی اکباتان است که باعث بالا رفتن کیفیت این فضاها شده است. فضاهای سبز و طبیعی مجتمع مسکونی زیتون نیز همچون اکباتان دارای جذابیت و کیفیت بالایی است ولی عاملی که باعث شده فضاهای طبیعی اکباتان بر زیتون برتری داشته باشد، وجود امکانات مناسب و کافی در فضاهای سبز اکباتان است که در زیتون این امکانات کمتر دیده می شود. اما در ارتباط با مجتمع های مسکونی پردیسان و مهرگان وضعیت کاملاً متفاوت است. با قدم زدن در فضاهای طبیعی و سبز پردیسان و مهرگان، حس حضور طبیعت و عناصر طبیعی به ندرت احساس می شود. انبوه درختانی که در اکباتان وجود دارد، زیبایی هایی بصری که در زیتون دیده می شود، عناصر طبیعی مثل آب، گل های متنوع، امکانات جذاب و فضاهایی برای

حضور، مکث و استراحت ساکنان به هیچ وجه در این دو مجتمع قابل مقایسه با اکباتان و زیتون نیست و بسیار سطح پایین-تری دارد. همچنین به منظور بررسی میزان حضور طبیعت و فضاهاى سبز در مجتمع‌های مسکونی و بین ساکنان، نتایج حاصل از ۳۶۰ پرسش‌نامه در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶- میزان حضور طبیعت در مجتمع‌های مسکونی

متغیرها	مشخصات توصیفی	اکباتان	پردیسان	زیتون	مهرگان
حضور	میانگین*	۳,۸۱	۲,۶۱	۳,۷۷	۲,۲۶
طبیعت در	انحراف استاندارد	۰,۸۰۴	۰,۵۸۴	۰,۶۷۴	۰,۷۵۳
مجتمع	واریانس	۰,۶۶	۰,۵۲	۰,۵۴	۰,۶۴

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۶.

با توجه به اینکه سؤالات پرسش‌نامه بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (از خیلی زیاد با امتیاز ۵ تا خیلی کم با امتیاز ۱) طراحی شده بود، میانگین پاسخگویی عدد ۳ در نظر گرفته می‌شود. بدین معنی که امتیاز بالاتر از عدد ۳ نشان‌دهنده وضعیت متوسط به بالا و امتیاز کمتر از عدد ۳ نیز نمایانگر وضعیت پایین‌تر از حد متوسط است.

بر اساس یافته‌ها، سرانه فضاهاى طبیعى و سبز و میانگین حضور طبیعت در مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه ارقام متفاوتی را نشان می‌دهد. بیش‌ترین میزان حضور طبیعت و فضاهاى سبز در مجتمع اکباتان تهران دیده می‌شود. به طوری که میانگین به دست آمده برای این مجتمع برابر با ۳,۸۱ بوده است. مقدار سرانه فضای سبز در این مجتمع بیش از سه مجتمع دیگر و برابر با ۲۰,۸ مترمربع برای هر نفر محاسبه شده است. آپارتمان‌های ساخته شده در اکباتان از همه‌جهاًت بر روی نور و هوا باز می‌شوند. این آپارتمان‌ها نه تنها بر روی درختان رنجور خیابان‌های کنونی باز نمی‌شوند، بلکه به چمن‌ها، زمین‌های بازی و درختکاری‌های وسیع دسترسی دارند (تصویر ۱). در واقع یکی از مهم‌ترین دلایل جذابیت بصری اکباتان، طبیعت و فضای سبز آن است. فضای سبزی که دور بلوک‌ها و میان بلوک‌های درونی آن قرار دارد؛ فضای سبز گستره با درختان بلند و فراوان که نمای ساختمان‌های مجتمع مسکونی اکباتان را در پشت خود پنهان می‌کنند؛ فضای سبزی که برای هر رهگذر خسته‌ای جذاب است و شادابی و سرزندگی را برای وی به ارمغان می‌آورد؛ همه و همه نشان از تنوع و زیبایی چشم‌انداز بصری محیط طبیعی اکباتان دارد. محیطی که بر ساختمان‌های منطقه احاطه و چیرگی یافته است. در اکباتان مسکن‌ها در ارتفاع گردهم آمده‌اند، با این که تمرکز آن‌ها تراکم مسکونی بسیار بالایی را فراهم می‌آورد، ولی این مجموعه‌ها تنها بخش کوچکی از زمین را اشغال کرده‌اند و بسیاری از سطح منطقه به فضای سبز تعلق یافته است. در مجموع ساکنان به راحتی می‌توانند طبیعت، فضای سبز و درختان محل زندگی را به خوبی حس کنند و از لمس کردن آن لذت ببرند. چرا که طبیعت وارد بطن زندگی ساکنان مجتمع مسکونی اکباتان شده، با آنان پیوند یافته و باعث ایجاد سرزندگی، نشاط و روابط و تعاملات اجتماعی و همسایگی در بین ساکنان گردیده است.



تصویر ۱- وضعیت طبیعت و فضاهاى سبز در مجتمع مسکونی اکباتان- منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۶.

پس از اکیاتان، در مجتمع مسکونی زیتون، سرانه فضاهای طبیعی و سبز ۴,۸ مترمربع برای هر نفر و میانگین پاسخ به حضور طبیعت در مجتمع، برابر با ۳,۷۷ است که نشان می دهد وضعیت حضور طبیعت و فضاهای سبز در آن بالاتر از متوسط است. با توجه به اینکه فضاهای سبز مجتمع زیتون در لابه لای بلوکها پراکنده شده اند و نظارت بر آنها از داخل ساختمانها به سهولت امکان پذیر است (تصویر ۲)، به نوعی دارای امنیت بالایی هستند و بانوان به راحتی در این فضاها مشغول استراحت و گپ و گفت با یکدیگر هستند. وجود عناصر متنوع و جذابیت فضاهای سبز و طبیعی موجود به راحتی کودکان را تا چندین ساعت مشغول خود نگه می دارد که همین عامل، اثر مثبتی در افزایش روابط اجتماعی بین ساکنان داشته است. چرا که والدین آنها به منظور تحت نظر داشتن فرزندان خود، معمولاً در گروههای ۳ تا ۶ نفره به گفتگو و گاهی انجام بازی هایی مثل شطرنج می پردازند و جو دوستانه ای بر این گروههای همسایگی حاکم است.



تصویر ۲- وضعیت طبیعت و فضاهای سبز در مجتمع مسکونی زیتون- منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۶.

اما در ارتباط با دو مجتمع پردیسان و مهرگان وضعیت متفاوت است. چرا که سرانه فضای سبز به ترتیب برابر با ۱,۵ و ۱,۴ و میانگینهای حاصله در این دو مجتمع به ترتیب برابر با ۲,۶۱ و ۲,۲۶ بوده است که عددی زیر حد متوسط است و نشان دهنده وضعیت نامطلوب حضور طبیعت و فضاهای سبز در دو مجتمع به خصوص در مهرگان دارد. سرانه فضای سبز در این دو مجتمع بسیار پایین است و فاصله زیادی با استانداردهای جهانی دارد. مقدار اندک فضاهای سبز و کیفیت نامطلوب فضاهای موجود، هیچ گونه رغبت و جذابیتی برای حضور برای ساکنان و به خصوص بانوان و کودکان در این فضاها ایجاد نمی کند (تصویر ۳: پردیسان، تصویر ۴: مهرگان). در نتیجه از میزان حضور ساکنان بسیار کاسته شده و اگر تعاملاتی بین ساکنان صورت می گیرد، عمدتاً محصور در داخل خانه هاست. از سوی دیگر با کمبود امکانات ورزشی و تفریحی در فضاهای سبز و طبیعی مهرگان و پردیسان، جوانان نیز رغبت چندانی به حضور در این فضاها از خود نشان نمی دهند. در نتیجه فضاهای سبز و طبیعی اندک موجود در این دو مجتمع به هیچ وجه به عنوان مرکزی که محل تجمع خانواده ها باشد شناخته نمی شود. البته بر اساس مشاهدات میدانی، بعضاً تجمعاتی در این فضاها دیده می شود ولی این تجمعات اکثراً در گروههای ۲ یا ۳ نفره و در مدت زمان زیر ۳۰ دقیقه پایان می یابد.



تصویر ۳- وضعیت طبیعت و فضاهای سبز در مجتمع مسکونی پردیسان- منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۶.



تصویر ۴- وضعیت طبیعت و فضاهاى سبز در مجتمع مسكونى مهرگان- منبع: مطالعات نویسنندگان، ۱۳۹۶.

در ادامه در بررسی نقش طبیعت بر تعلق مکانی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی، از روش تحلیل مسیر با استفاده از شاخص‌های برازندگی بهره گرفته شده است. در ابتدا به منظور بررسی معناداری مدل، از شاخص‌های معناداری کای اسکوتر (P)، کای اسکوتر بهنجار شده (CMIN/DF)، شاخص‌های برازش افزایشی (IFI)، توکر - لوئیس، برازش تطبیقی (CFI) و در نهایت ریشه‌ی دوم مربعات خطای برآورد (RMSEA) استفاده شده است. جدول ۷ معناداری مدل‌ها را بر اساس شاخص‌های ذکر شده نشان می‌دهد. بر اساس محاسبات صورت گرفته بررسی معناداری تمامی مدل‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرند.

جدول ۷- بررسی معناداری مدل‌ها

مدل مجتمع مسكونى	RMSEA	CMIN/DF	IFI	P	CFI
اکباتان	۰,۰۶۶	۴,۴	۰,۰۵۸	۰,۰۲۷	۰,۰۷۵
پردیسان	۰,۰۵۷	۴,۳	۰,۰۶۲	۰,۰۳۱	۰,۰۸۱
زیتون	۰,۰۶۱	۳,۹	۰,۰۴۴	۰,۰۲۴	۰,۰۶۸
مهرگان	۰,۰۵۳	۳,۸	۰,۰۵۵	۰,۰۲۹	۰,۰۷۳

منبع: مطالعات نویسنندگان، ۱۳۹۶.

در ادامه به منظور سنجش معناداری ۱۲ گویه مطرح شده در ارتباط با طبیعت و فضاهاى سبز از مدل کای اسکوتر بهره گرفته شده است که نتایج در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸- نتایج تحلیل عاملی تأییدی گویه‌های طبیعت

مجتمع مسكونى	Chi - Square	P value	RMSEA
اکباتان	۰,۸۱۲	۰,۰۰۰	۰,۰۵۱
پردیسان	۰,۷۴۹	۰,۰۰۰	۰,۰۶۱
زیتون	۰,۷۱۵	۰,۰۰۰	۰,۰۶۷
مهرگان	۰,۸۰۲	۰,۰۰۰	۰,۰۵۴

منبع: مطالعات نویسنندگان، ۱۳۹۶.

همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد مقدار کای اسکوتر در سطح معناداری ( $P > 0,05$ ) در مجتمع‌های مسکونی اکباتان برابر با ۰,۸۱۲ در پردیسان ۰,۷۴۹ و در زیتون ۰,۷۱۵ و در نهایت در مجتمع مهرگان برابر با ۰,۸۰۲ حاصل شد؛ بنابراین با توجه به داده‌های حاصل از مدل تأییدی و اندازه‌گیری ۱۲ گویه‌ی طبیعت با استفاده از پرسش‌نامه، می‌توان بارهای مؤثر گویه‌ها را طبق جدول ۹ ارائه کرد.

جدول ۹- وزن دهی (بارگذاری) گویه های سنجش وضعیت طبیعت در مجتمع های مسکونی

ردیف	گویه ها	وزن ها (بار عاملی) در مجتمع ها		
		اکباتان	پردیسان	زیتون
N1	تأثیرات روحی و روانی حاصل از طبیعت و فضای سبز	۰,۸۰	۰,۶۴	۰,۸۵
N2	تأثیرات طبیعت و فضای سبز بر سلامت جسمی	۰,۸۸	۰,۶۳	۰,۸۶
N3	رضایتمندی از ارزش های زیبایی شناختی فضای سبز و طبیعی	۰,۸۱	۰,۵۴	۰,۹۳
N4	میزان رضایتمندی از افزایش مساحت فضای سبز	۰,۷۸	۰,۷۸	۰,۷۰
N5	مکانی مناسب برای برقراری روابط اجتماعی	۰,۷۶	۰,۵۰	۰,۸۰
N6	وضعیت عناصر طبیعی (مثل وجود آب، درخت، حوضچه و فواره، گل و...)	۰,۷۹	۰,۴۵	۰,۸۳
N7	رضایتمندی از امکانات فضاهای طبیعی و سبز	۰,۷۷	۰,۵۶	۰,۸۵
N8	دسترسی به طبیعت و فضای سبز	۰,۹۵	۰,۵۷	۰,۸۹
N9	مکانی مناسب برای استراحت	۰,۹۱	۰,۶۰	۰,۸۳
N10	مکانی مناسب برای ورزش	۰,۹۲	۰,۵۳	۰,۷۴
N11	مکانی مناسب برای تفریح و گذاران فراغت	۰,۷۳	۰,۵۵	۰,۷۵
N12	میزان رضایت از وضعیت طبیعت و فضای سبز محل زندگی	۰,۸۲	۰,۵۳	۰,۸۷

منبع: مطالعات نویسندهگان، ۱۳۹۶.

با توجه به نتایج به دست آمده از بار عاملی گویه ها، در مجتمع مسکونی اکباتان، بیشترین وزن به دست آمده مربوط به گویه «دسترسی به طبیعت و فضای سبز» با بار عاملی ۰,۹۵ بوده است. پس از این گویه، به ترتیب گویه های «مکانی مناسب برای ورزش» و «مکانی مناسب برای استراحت» با بار عاملی ۰,۹۲ و ۰,۹۱ قرار گرفته اند. در مجتمع پردیسان، بیشترین وزن حاصله مربوط به گزینه «میزان رضایتمندی از افزایش مساحت فضای سبز» با بار عاملی ۰,۷۸ بوده است. در واقع با توجه به کمبود این گونه فضاها در محل زندگی، بسیاری از ساکنان معتقد بوده اند که افزایش مساحت فضای سبز بر میزان رضایتمندی آنان از این گونه فضاها تأثیر مثبت خواهد داشت. برای این مجتمع مسکونی در مراتب بعدی به ترتیب گویه های «تأثیرات روحی و روانی حاصل از طبیعت و فضای سبز» و «تأثیرات طبیعت و فضای سبز بر سلامت جسمی» با بار عاملی ۰,۶۴ و ۰,۶۳ قرار دارند. در مجتمع زیتون که تمامی گویه ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰,۷۴ هستند، بیشترین وزن، مربوط به گویه «رضایتمندی از ارزش های زیبایی شناختی فضای سبز و طبیعی» با بار عاملی ۰,۹۳ حاصل شده است. در مراتب بعدی گویه های «دسترسی به طبیعت و فضای سبز» و «رضایت از وضعیت طبیعت و فضای سبز محل زندگی» با بار عاملی ۰,۸۹ و ۰,۸۷ قرار دارند. در نهایت بیشترین وزن به دست آمده از گویه ها برای مجتمع مهرگان نیز همچون پردیسان «میزان رضایتمندی از افزایش مساحت فضای سبز» با بار عاملی ۰,۷۰ بوده است. گویه های دوم و سوم نیز شامل «مکانی مناسب برای ورزش» و «رضایتمندی از ارزش های زیبایی شناختی فضای سبز و طبیعی» با بار عاملی ۰,۵۶ و ۰,۵۵ می شود. همچنین به لحاظ آماری تمامی گویه های مورد بررسی معنادار بوده اند ( $P > 0,05$ ). در ادامه با استفاده از آزمون مدل کای اسکوتر معناداری شاخص های تعلق مکانی مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج در جدول ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۱۰- نتایج تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌های تعلق مکانی

تعلق مکانی			
مجموعه‌ها	Chi - Square	P value	RMSEA
اکباتان	۰,۶۸۴	۰,۰۰۰	۰,۰۷۱
پردیسان	۰,۵۷۷	۰,۰۰۰	۰,۰۶۹
زیتون	۰,۵۱۸	۰,۰۰۰	۰,۰۵۷
مهرگان	۰,۷۰۹	۰,۰۰۰	۰,۰۷۷

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۶.

با توجه به نتایج جدول ۱۰، مقدار کای اسکوئر با معناداری قابل قبول ( $P > 0,05$ ) از تحلیل عاملی شاخص‌های تعلق مکانی در مجتمع اکباتان ۰,۶۸۴ در مجتمع پردیسان ۰,۵۷۷ در مجتمع زیتون ۰,۵۱۸ و در مجتمع مهرگان برابر با ۰,۷۰۹ به دست آمده است. در جدول ۱۱ مقدار بارهای عاملی حاصل از مدل تأییدی و اندازه‌گیری شاخص‌های تعلق مکانی نشان داده شده است.

جدول ۱۱- وزن‌دهی (بارگذاری) عوامل مؤثر در تعلق مکانی در مجتمع‌های مسکونی

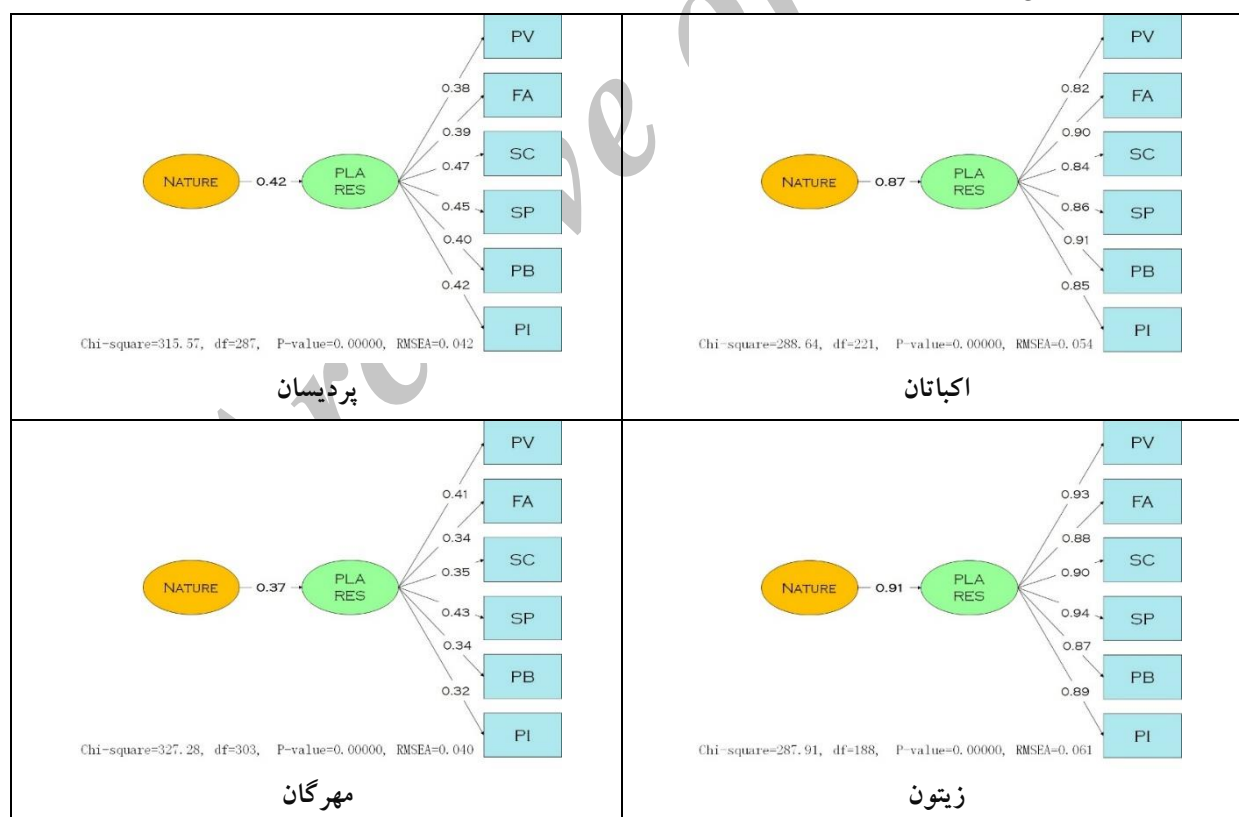
معیارها	شاخص‌ها	وزن‌ها (بار عاملی) در مجتمع‌ها			
		اکباتان	پردیسان	زیتون	مهرگان
کالبدی - بصری	مطلوبیت مشخصات بصری مکان	۰,۹۴	۰,۵۵	۰,۹۲	۰,۳۴
	انطباق فضا با الگوهای رفتاری	۰,۸۷	۰,۵۸	۰,۷۶	۰,۵۲
	ویژگی‌های شهرسازانه و معماری	۰,۹۱	۰,۵۲	۰,۸۹	۰,۴۳
عملکردی - فعالیتی	برگزاری مراسم، رویدادها و جشن‌ها	۰,۸۶	۰,۳۷	۰,۸۰	۰,۴۵
	ارضای نیازهای زیست‌محیطی	۰,۷۹	۰,۵۰	۰,۸۳	۰,۴۴
	میزان مراجعه و حضور در مکان	۰,۸۷	۰,۴۸	۰,۷۹	۰,۵۲
اجتماعی - فرهنگی	بافت اجتماعی	۰,۸۴	۰,۴۶	۰,۹۳	۰,۵۹
	مشارکت مردم در مکان	۰,۷۶	۰,۴۸	۰,۸۴	۰,۴۳
	امکان تعاملات و ارتباطات اجتماعی	۰,۸۷	۰,۵۲	۰,۷۶	۰,۴۱
معنایی - ادراکی	خاطره‌انگیزی مکان	۰,۹۱	۰,۴۴	۰,۹۴	۰,۳۸
	قدمت مکان و قابلیت تجسم	۰,۸۷	۰,۳۷	۰,۸۱	۰,۴۶
	شاخص‌های هویت مندی فضا	۰,۸۸	۰,۵۱	۰,۷۹	۰,۴۰
شخصی - رفتاری	آشنایی با مکان	۰,۸۹	۰,۶۱	۰,۸۴	۰,۵۶
	طول مدت اقامت و حس مردم واری	۰,۷۶	۰,۵۱	۰,۸۹	۰,۴۹
	شناخت عناصر مکانی	۰,۸۴	۰,۴۶	۰,۷۹	۰,۴۱
هویت مکانی	عزت نفس	۰,۸۰	۰,۵۷	۰,۷۳	۰,۵۴
	خاطرات و رویدادهای مهم	۰,۸۳	۰,۴۷	۰,۷۳	۰,۵۱
	نمادها و نشانه‌ها	۰,۷۹	۰,۵۱	۰,۸۶	۰,۴۵

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۶.

یافته‌های حاصل از بارگذاری عوامل مؤثر در تعلق مکانی در مجتمع‌های مسکونی نشان می‌دهد شاخص‌های «مطلوبیت مشخصات بصری مکان»، «میزان مراجعه و حضور در مکان»، «امکان تعاملات و ارتباطات اجتماعی»، «خاطره‌انگیزی مکان»،

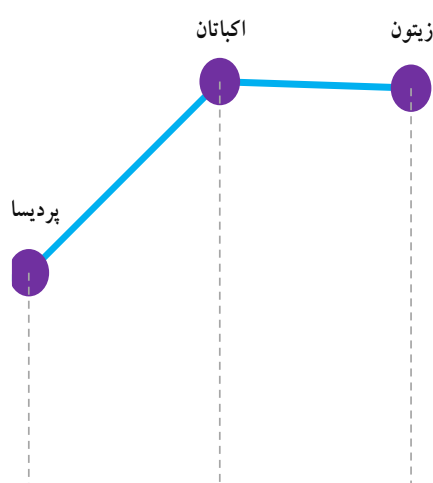
«آشنایی با مکان» و «خاطرات و رویدادهای مهم» در مجتمع مسکونی اکباتان؛ شاخص های «انطباق فضا با الگوهای رفتاری»، «ارضای نیازهای زیست محیطی»، «امکان تعاملات و ارتباطات اجتماعی»، «شاخص های هویت مندی فضا»، «آشنایی با مکان» و «عزت نفس» در مجتمع مسکونی پردیسان؛ شاخص های «مطلوبیت مشخصات بصری مکان»، «ارضای نیازهای زیست محیطی»، «بافت اجتماعی»، «خاطره انگیزی مکان»، «طول مدت اقامت و حس مردم واری» و «نمادها و نشانه ها» در مجتمع مسکونی زیتون و شاخص های «انطباق فضا با الگوهای رفتاری»، «میزان مراجعه و حضور در مکان»، «بافت اجتماعی»، «قدمت مکان و قابلیت تجسم»، «آشنایی با مکان» و «عزت نفس» در مجتمع مسکونی مهرگان دارای بیشتری بار عاملی و وزن در هر گروه از مؤلفه ها بوده اند.

در نهایت نتایج به دست آمده از بررسی های مربوط به تأثیر طبیعت در تعلق مکانی نشان می دهد (نمودار ۳) ضریب و میزان تأثیر طبیعت بر تعلق مکانی ساکنان مجتمع مسکونی اکباتان برابر با (۰,۸۷)، مجتمع مسکونی پردیسان برابر با (۰,۴۲)، مجتمع مسکونی زیتون برابر با (۰,۹۱) و مجتمع مسکونی مهرگان برابر با (۰,۳۷) حاصل شده است. با توجه به اینکه مقدار  $RMSEA$  در مجتمع های مسکونی به ترتیب برابر با (۰,۰۵۴)، (۰,۰۴۲)، (۰,۰۶۱) و (۰,۰۴۰) به دست آمده، می توان گفت: وضعیت طبیعت و فضاهای سبز شهری بر میزان تعلق مکانی ساکنان تأثیرگذار است. به عبارت دیگر می توان بیان کرد بر اساس نظرات ۳۶۰ نفر از ساکنان چهار مجتمع مسکونی اکباتان تهران، پردیسان قم، زیتون اصفهان و مهرگان قزوین، بین دو متغیر طبیعت و تعلق مکانی رابطه علی وجود دارد. لذا به هر میزانی که وضعیت رضایت از طبیعت در مجتمع های مسکونی بهتر باشد، تعلق مکانی ساکنان نیز بالا خواهد رفت و بالعکس.



نمودار ۳- بررسی تأثیر طبیعت بر تعلق به مکان در مجتمع های مسکونی - منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۶.





نمودار ۴- وضعیت متغیرهای طبیعت و حس تعلق مکانی بررسی در مجتمع‌های مورد مطالعه- منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۶.

با توجه به یافته‌های تحقیق و همان‌طور که در نمودار ۴ نشان داده شده است، مجتمع مسکونی مهرگان در هر دو شاخص «فضاهای سبز و طبیعی» و «حس تعلق مکانی»، نامناسب‌ترین وضعیت را دارد و اثرگذاری طبیعت بر حس تعلق مکانی ساکنان نیز بسیار پایین ارزیابی گردیده است. پس از مهرگان، مجتمع مسکونی پردیسان قرار دارد که این مجتمع نیز همانند مهرگان وضعیت مناسبی ندارد. در واقع در این دو مجتمع، کمبود و فقر فضاهای سبز و عناصر طبیعی، نتوانسته فضایی ویژه که متمایز از سایر مکان‌ها باشد برای ساکنان ایجاد کند. در نتیجه پیوند ساکنان با مکان به سختی صورت گرفته و حس تعلق مکانی به کمترین مقدار خود رسیده است. در مقابل در دو مجتمع مسکونی اکباتان و زیتون وضعیت کاملاً متفاوت است. اکباتان به لحاظ وضعیت طبیعت و فضاهای سبز و زیتون نیز در ارتباط با حس تعلق مکانی ساکنان، با اختلافی اندک دارای بهترین وضعیت هستند. به هر حال بر اساس نتایج، دو متغیر مورد بررسی در اکباتان و زیتون، دارای وضعیت مناسبی است و با توجه به یافته‌ها می‌توان بیان کرد فضاهای سبز و طبیعی بر حس تعلق مکانی ساکنان تأثیر کاملاً مثبتی گذاشته است.

#### نتیجه‌گیری:

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد همواره ارتباطی معنادار و مثبت بین دو متغیر طبیعت و حس تعلق مکانی در نمونه‌های مورد مطالعه برقرار است. ضریب تأثیر طبیعت در تعلق مکانی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی اکباتان (۰,۸۷)، پردیسان (۰,۴۲)، زیتون (۰,۹۱) و مهرگان (۰,۳۷) به دست آمده است. همچنین با توجه به اینکه مقدار *RMSEA* در مجتمع‌های مسکونی به ترتیب برابر با (۰,۰۵۴)، (۰,۰۴۲)، (۰,۰۶۱) و (۰,۰۴۰) به دست آمده، رابطه بین حضور طبیعت و فضاهای سبز شهری در مجتمع‌های مسکونی با تعلق مکانی ساکنان، مورد تأیید قرار گرفته است. این مقدار در مجتمع‌های مسکونی اکباتان و زیتون وضعیت بهتری را نشان می‌دهد و نشان دهنده اثرگذاری بیشتر طبیعت بر دل‌بستگی به مکان و حس تعلق مکانی است. تعاملات ساکنان در این دو مجتمع مسکونی و به‌خصوص در محیط‌های سبز و طبیعی محل زندگی توانسته حس تعلق مکانی قوی‌تری را در ساکنان القا کند. در واقع در اکباتان و زیتون ارزش‌های اجتماعی که بر پایه روابط اجتماعی و همسایگی در فضاهای سبز و طبیعی ایجاد می‌شود توانسته حس تعلق و دل‌بستگی ساکنان به محل زندگی را بیش از دو مجتمع مسکونی پردیسان و مهرگان بهبود بخشد و از این طریق هویت مندی محل زندگی خود را تضمین کنند. نتیجه دیگری که از این پژوهش حاصل می‌شود را می‌توان چنین بیان کرد که وجود فضاهای طبیعی در مجتمع‌های مسکونی، فراتر از تأمین سرانه فضای سبز برای ساکنان است. ارتباط حسی که ساکنان با این فضاها و همچنین با یکدیگر در ظرف و بستر طبیعت برقرار می-

کنند، باعث تسلط شناختی بر مکان می شود که این عامل تأثیری بسزا در ایجاد و تقویت حس تعلق به مکان دارد. با توجه به نتایج به دست آمده مشخص می شود در آن دسته از سکونتگاه های انسانی که رویکرد غالب در ایجاد آن ها، رویکردی تک بعدی نگر بوده که در آن صرفاً به ساخت فضایی برای اقامت و استراحت، اشتغال و یا مکانی برای جذب سرریز جمعیت کلان شهرها توجه شده است، نتیجه ای جر «غافل ماندن از تأثیرگذاری جنبه های روانی بر حس تعلق ساکنان» دربر نداشته است؛ بنابراین نیاز است تا حس تعلق به مکان در این سکونتگاه ها تقویت یابد.

### منابع و مأخذ:

۲. باباویسی، وحیده (زمستان ۱۳۹۴): «بررسی عوامل کالبدی در ایجاد حس تعلق خاطر به مکان»، دومین کنفرانس علمی پژوهشی افق های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
۳. پیربایبی، محمدتقی و حسن سجاذزاده (۱۳۹۰): «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی»، باغ نظر، سال هشتم، شماره ۱۶، تهران، صص ۱۷-۲۸.
۴. جوان فروزنده، علی و قاسم مطلبی (۱۳۹۰): مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، نشریه هویت شهر، دوره ۵، شماره ۸، تهران، صص ۲۷-۳۷.
۵. حبیبی، سیدمحسن (بهار ۱۳۸۲): «چگونگی الگوپذیری و تجدیدی سازمان استخوان بندی محله»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۳، تهران، صص ۳۲-۳۹.
۶. سرمست، بهرام و محمدمهدی متوسلی (۱۳۸۹): «بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان، مطالعه موردی: شهر تهران»، مدیریت شهری، دوره ۸، شماره ۲۶، تهران، صص ۱۶۴-۱۳۳.
۷. سعیدنیا، احمد (۱۳۸۲): «کتاب سبز راهنمای شهرداری ها»، جلد ششم، انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
۸. سیاوش پور، بهرام؛ شادلو جهرمی، مجتبی و زهره مولایی رامشه (پاییز ۱۳۹۳): «ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی (ادراک و شناخت)»، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه های شهر اسلامی، مشهد، شورای اسلامی شهر مشهد.
۹. شکویی، حسین (۱۳۸۶): «فلسفه های محیطی و مکتب های جغرافیایی»، تهران، نشر گیتاشناسی.
۱۰. فلاحت، محمداصداق (۱۳۸۵): «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۶۶-۵۷.
۱۱. کاشی، حسین و ناصر بنیادی (پاییز ۱۳۹۲): «تبیین مدل هویت مکان - حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن؛ نمونه موردی: پیاده راه شهر ری»، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۵۲-۴۳.
۱۲. مشکینی، ابوالفضل؛ قاسمی، اکرم و مهدی حمزه نژاد (زمستان ۱۳۹۳): «ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)»، نشریه فضای جغرافیایی، دوره ۱۴، شماره ۴۸، صص ۵۶-۴۱.
۱۳. نقدی، اسدالله؛ وحدت، سلمان حسن و سجاذزاده (بهار ۱۳۹۵): «نقش سرمایه های اجتماعی در دل بستگی به مکان در محلات سنتی (نمونه ی موردی: محلات شهر همدان)»، مطالعات جامعه شناختی شهری، سال ششم، شماره ۱۸، دهاقان، صص ۵۲-۲۳.
14. Altman, I. and Low, S. M, (1992): *Place Attachment: A Conceptual Inquiry*, Plenum Press, York.
15. Giuliani, V, (1991): *Towards on analysis of mental representation of attachment to the home*, journal of architectural and planning research. pp: 246-133.
16. Hidalgo, Carmona & Hernandez, Bernard, (2001): *Place Attachment: Conce ptualand Empirical Questions*, Journal of Environmental Psychology, vol 21, pp273-281.
17. Iran News Agency, Qazvin Province, (2016).
18. Livingston, M & Bailey, N and Kearns, A, (2008): *People's attachment to place: the influence of neighborhood deprivation*, Chartered Institute of Housing, for the Joseph Rowntree Foundation.
19. Sime, J. D, (2011): *Creating places or designing spaces?* Journal of Environmental Psychology, 6(1): 49-63.
۲۰. Vandenberg Robert J., and Lance Charles E. (2000): *A Review and Synthesis of the Measurement Invariance Literature: Suggestions, Practices, and Recommendations for Organizational Research*, Volume: 3 issue: 1, page(s): 4-70